

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.361950.3967>

Investigating the effect of cultural capital on traditional and modern family types (Study case: Youth of Khorram Abad city)

Abstract

The main goal of this study is to investigate the impact of embodied cultural capital (internalized values) and the return to traditional and modern types of family among young people. Finding out the answer to this question, whether the cultural capital in its physical and institutional dimensions causes the tendency to a traditional or a modern family? Quantitative, purposeful, applied methods have been used to analyze the nature of the data, and post-event methods have been used to collect the data. The statistical population includes all 19-29-year-old youths in Khorramabad, numbering 90,000 people, and 400 people were selected as a sample using the Karjesi, Morgan table and using a multi-stage sampling method. The research tool was a questionnaire made by the researcher. Spss and Matlab software were used in the data analysis, and the research hypotheses were analyzed using the fuzzy method. The results showed that with the increase of each of the components of the cultural capital of the modern family types, the cultural capital (in the trend towards the traditional and modern family types) increases. The youth of Khorram Abad city is more effective, and the more its number increases, the more this tendency increases.

Key words: embodied cultural capital, traditionalism, modernism, family

بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی بر گرایش به گونه‌های سنتی و مدرن خانواده

(مورد مطالعه: جوانان شهر خرم آباد)

فرهاد طهماسبی نادری^۱

تاریخ دریافت: 1401/4/10

مجید کاشانی^۲

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

علی دلاور^۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی تجسیدی (ارزش‌های درونی شده) و نهادی شده بر گرایش به گونه‌های سنتی و مدرن خانواده در بین جوانان است. در این پژوهش سعی در یافتن پاسخ این سوال شده که آیا سرمایه فرهنگی در دو بعد تجسیدی و نهادی شده باعث گرایش به گونه سنتی یا گونه مدرن خانواده می‌شود یا خیر؟ شهر خرم آباد یک جامعه در حال گذار از وضعیت سنتی، ایلی و عشایری به وضعیت مدرن و جدید است. ریشه‌های نژادی مشترک، احساس هویت ملی رادر این شهر متجلی می‌سازد. امواج فرهنگی که از طریق برنامه‌های تلویزیونی- ماهواره‌ای و ارتباطات اینترنتی به مردم استان ارائه می‌شود در تغییر نگرش‌های آنان موثر است و دسترسی آسان- و سریع مردم به ارتباطات اینترنتی و جو غالب بر فضای مجازی موجود که متأثر از بخش غیر قابل انطباق شیوه زندگی غربی- باشیوه زندگی ایرانی است به این تغییر نگرش، ابعاد متفاوتی داده است. با گسترش ارتباطات اجتماعی عینی و مجازی و بسط و توسعه وسایل ارتباطی گرایش به نوگرایی به شیوه غربی در برخی از آحاد جامعه به ویژه نسل جوان شکل گرفت که منجر به دوشیوه زندگی اجتماعی بر اساس هنجارهای رسمی و شیوه زندگی بر اساس هنجارهای غیر رسمی یا همان سبک غربی یا مدرن گردید. در روش از لحاظ ماهیت داده‌ها از روش کمی، از لحاظ- هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها از روش پس‌رویدادی استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه جوانان 19 تا 29 ساله شهر خرم‌آباد به تعداد 90 هزار نفر است که با استفاده از جدول کرجسی، مورگان تعداد 400 نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته است. در تحلیل داده‌ها از نرم افزار matlab و spss استفاده شد و با بهره‌مندی از روش فازی فرضیه‌های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که با افزایش هر کدام از مولفه‌های سرمایه فرهنگی- گونه‌های مدرن خانواده افزایش می‌یابد و سرمایه فرهنگی (در گرایش به گونه‌های سنتی و مدرن خانواده در جوانان- شهر خرم‌آباد موثر است و هر چه میزان آن بیشتر شود این گرایش بیشتر می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، تجسیدی و نهادی شده، سنتگرایی، مدرنیسم، خانواده

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۲ مجید کاشانی، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات و رسانه واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

مقدمه

در این مقاله تلاش شده است تا رابطه دوبرعده از ابعاد سرمایه فرهنگی با گرایش به گونه‌های خانواده در یک جامعه محلی مورد بررسی قرار گیرد.

شهر خرم‌آباد یک جامعه در حال گذار از وضعیت سنتی، ایلی و عشایری به وضعیت مدرن و جدید است. ریشه‌های نژادی مشترک، احساس هویت ملی رادر این شهر متجلی می‌سازد. امواج فرهنگی که از طریق برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و ارتباطات اینترنتی به مردم استان ارائه می‌شود در تغییر نگرش‌های آنان موثر است و دسترسی آسان و سریع مردم به ارتباطات اینترنتی و جو غالب بر فضای مجازی موجود که متأثر از بخش غیر قابل انطباق شیوه زندگی غربی باشیوه زندگی ایرانی است به این تغییر نگرش، ابعاد متفاوتی داده است.

به نظر می‌رسد تحولات اجتماعی در جامعه ما از سرعت تغییر قابل ملاحظه‌ای برخوردارند که منجر به دگرگونی‌های متعدد ساختاری در سبک زندگی مردم شده است. از مهم‌ترین تحولات جامعه ایرانی پدیده مدرنیسم که علاوه بر تأثیر مستقیم بر ساختار کلان جامعه بر نگرش و روش زندگی بسیاری از افراد تأثیر گذار بوده است. نوگرایی یا مدرنیسم که از حدود دوسده پیش با نگاه به خاستگاه آن یعنی جوامع غربی، در ایران آغاز شد تا پیش از استقرار جمهوری اسلامی به عنوان سبک زندگی رسمی جامعه تلقی می‌شد که البته با ترکیب با برخی سنت‌های موجود در جامعه سعی در تسلط بر جامعه ایرانی داشت. پس از استقرار نظام اسلامی، دوری جستن از سبک غربی - و پذیرش سنت‌های اسلامی و زندگی بر اساس آموزه‌های دینی ابلاغی حاکمیت اسلامی، مبنای رفتارهای اجتماعی حاکم بر جامعه گردید. با گسترش ارتباطات اجتماعی عینی و مجازی و توسعه وسایل ارتباطی گرایش به نوگرایی به شیوه غربی در برخی از احاد جامعه به ویژه نسل جوان شکل گرفت که منجر به دوشیوه زندگی اجتماعی بر اساس هنجارهای رسمی و شیوه زندگی بر اساس هنجارهای غیر رسمی یا همان سبک غربی یا مدرن گردید. به نظر می‌رسد این موضوع در متغیر خانواده عینیت بیشتری یافته و در حال حاضر در بین قشر اجتماعی جوان قابل مشاهده است. یعنی خانواده و تشکیل آن از الگوهای رسمی در حال فاصله گرفتن و نزدیک شدن به الگوهای جوامع غربی است. این که بتوان شناخت علمی صحیحی از این مدعا داشت و اینکه سرمایه فرهنگی تجسیدی که شامل ارزشها و باورهای فعلی جامعه می‌شود سرمایه فرهنگی نهادی، چه تأثیری بر شکل گیری گونه مدرن یا غربی خانواده می‌شود، توجه محقق رابه این مساله معطوف کرد و منجر به اجرای این پژوهش گردید. در واقع دوگانگی نگرشی و کنشی موجود در جامعه و تأثیر برخی متغیرها مانند سرمایه فرهنگی بر این دوگانگی در حوزه خانواده مساله و دغدغه اصلی این پژوهش است.

بنابراین مسئله اصلی تحقیق این است که سرمایه فرهنگی تجسیدی و نهادی جوانان شهر خرم‌آباد چه تأثیری بر گرایش به گونه‌های رسمی (سنتی) و غیر رسمی (مدرن) خانواده در بین آنان دارد؟

اهمیت و هدف پژوهش:

سرمایه فرهنگی تاکنون مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته، اما رابطه این متغیر با گرایش به گونه‌های سنتی و مدرن خانواده به خصوص در جوامع محلی که سنت ها حاکمیتی دیرینه دارند تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است و این امر اجرای این پژوهش را دارای اهمیتی شایان توجه می‌نماید. شناخت وضعیت فرهنگی و گرایشات حاکم بر آن از اساسی‌ترین نیازهای بنیادی در امر برنامه‌ریزی فرهنگی است، نتایج بدست آمده در زمینه تغییراتی که در عرصه ارزش و هنجارهای مختلف مانند چگونگی گرایش به مدرنیسم به ویژه در خانواده در حالی که جامعه همچنان

به ارزش‌های سنتی به شکل منسجم توجه می‌کند و نقشی که سرمایه فرهنگی در شکل‌گیری این وضعیت ایفاء می‌کند، می‌تواند سازمان‌ها و مؤسسات و مراکز فرهنگی را در امر برنامه‌ریزی یاری دهد چون جامعه لرستان یک جامعه سنتی و در حال گذار است که در دهه‌های اخیر تحت تأثیر روند نوسازی قرار گرفته و از این حیث پذیرای تغییرات مهمی در عرصه‌های مختلف خانواده، ارزش‌های و باورهای خاص فرهنگی شده است و شناخت موارد مذکور اهمیت موضوع را دوچندان می‌نماید. هدف اصلی و کلی این پژوهش بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر گرایش به گونه‌های خانواده در بین جوانان است.

ادبیات پژوهش:

سرمایه فرهنگی با دیدگاه‌های بوردیو به جامعه‌شناسی معرفی شده است. بوردیو سرمایه فرهنگی را دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد تلقی می‌کند که در اجتماعی شدن در وی انباشته می‌شود (زارع و فلاح، 5، 1391). سرمایه فرهنگی با واسطه متغیرهای ذهنی و فردی، سبب گرایش افراد به سبک زندگی فرهنگی خاص می‌شود (علیزاده اقدم و صالحی، 1، 1390) و (بابایی، 4، 1390). بوردیوⁱ سرمایه فرهنگی را در سه وضعیت متفاوت بررسی می‌کند: وضعیت تجسم یافته (درونی شده)، عینیت یافته و نهادینه شده. در مورد وضعیت اول اشاره به مجموعه‌ای از تمایلات دارد که از طریق جامعه پذیری، در فرد درونی شده‌اند. انباشت سرمایه فرهنگی در این شکل از دوران کودکی شروع می‌شود.

دیمجیوⁱⁱ (1982) این مفهوم را در قالب مدل «تحرک فرهنگی» مطرح کرد. بر اساس این مدل، سرمایه فرهنگی موثر در شکل دادن به نابرابری‌های اجتماعی است، اما این نابرابری‌ها بیش از آن که ناشی از ارتقاء موقعیت‌های ممتاز انتسابی افراد باشد ناشی از توسعه فرصت‌های بیشتر برای طبقات پایین است. همین تلقی، الگوی محققانی شده است که در حوزه سرمایه فرهنگی پژوهش کرده‌اند (قاسمی و حسن پور، 7، 1395). از نگاهی دیگر سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد، برای حفظ کردن یا به دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند. یعنی سرمایه‌ی فرهنگی به طور دائمی در قلمرو امکانات قشر و گروه است (صالحی امیری، سیدرضا، 1386، 64). سرمایه فرهنگی می‌تواند، کارکردهای مانند دسترسی اکثریت اعضای جامعه به منابع معرفتی، بسط خردگرایی در عرصه‌های مختلف زندگی، سریع شدن تغییرات اجتماعی، گسترش دانش‌های نوین و گسترش گردش اطلاعات و رشد شخصیتی برای اکثریت افراد جامعه داشته باشد (چلبی، مسعود، 1382، 214 و 231). کسب سرمایه فرهنگی کار طولانی، مداوم و پی‌گیر، یادگیری و فرهنگ‌پذیری را می‌طلبد. در صورتی که دسترسی به سرمایه فرهنگی، به صورت برابر باشد، سرمایه فرهنگی می‌تواند، کارکردهای مانند دسترسی اکثریت اعضای جامعه به منابع معرفتی، بسط خردگرایی در عرصه‌های مختلف زندگی و بالا بودن سطح مشارکت همگانی را برای اکثریت افراد جامعه داشته باشد (چلبی، مسعود، 1382، 214 و 231).

پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی سه منبع سرمایه فرهنگی‌اند. انباشت سرمایه فرهنگی از طریق این سه منبع در افراد باعث تفاوت بین دارندگان و فاقدان این سرمایه می‌شود (خادمیان 102، 1390). پارسونزⁱⁱⁱ برای گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن ایده متغیرهای الگویی را مطرح کرد که مبنای انتخاب شاخص‌ها و مولفه‌های سرمایه فرهنگی تجسیدی (ارزش‌های درونی شده) قرار گرفته‌اند. از نظر پارسونز پنج دسته متغیرهای الگویی نمایانگر نوع جامعه است: اولین دسته روابط شخصی در مقابل روابط غیر شخصی است. در جوامع سنتی روابط اجتماعی دارای یک بخش نفسانی (فردی، احساسی و چهره به چهره) است. اما در جوامع

نوگرا روابط اجتماعی در حالت غیر شخصی (غیر فردی، بیگانه و غیر مستقیم) تبلور دارد. دومین دسته خاص گرای در مقابل عام گرایی است. در جوامع سنتی افراد تمایل دارند که با اعضای دایره اجتماعی خودشان مشورت کنند، اما در جوامع مدرن، که فشرده‌گی جمعیت وجود دارد، مردم معمولاً "با غریبه‌ها سروکار دارند و مایلند که با استفاده از قواعد عام گرایی با آن‌ها رفتار کنند. سومین دسته از متغیرهای الگویی عبارت از جهت گیری جمع‌گرا در مقابل خودگزینی (یا پیگیری منافع شخصی) است. در جوامع سنتی، وفاداری به سمت جمع است (مانند خانواده)، بر عکس در جوامع مدرن خودگزینی مورد تأکید است. چهارمین دسته از متغیرهای الگویی عبارت است از انتساب در مقابل اکتساب، در جوامع سنتی فرد با منزلت انتسابی‌ارزیابی می‌شود. اما در جوامع مدرن، مبنای ارزیابی فرد با منزلت اکتسابی خودش است. پنجمین دسته از متغیرهای الگویی عبارتند از نقش‌های اختصاصی در مقابل آمیختگی نقش‌ها. در جوامع سنتی غالباً نقش‌ها در هم آمیخته است. بر عکس در جوامع نوگرا نقش‌ها اختصاصی است. به نظر هابرماس، راه‌حل معضلات نوگرایی را در خود نوگرایی باید جست‌وجو کرد. به نظر هابرماس، مابعد نوگرایی توانایی حل این مشکلات را ندارد. «اندیشه فرا تجدّد» امکان هرگونه رفتار خودآگاهانه را، که بتواند مسائل را حل کند، منتفی می‌سازد (هولاب^v 1375، 11). از نظر پارسونز خانواده به دو نوع قابل تقسیم بندی است خانواده جهت یاب یعنی خانواده ای که فرد در آن رشد می‌کند و خانواده فرزند یاب به منظور همان خانواده هسته ای است مسئول تشکیل آن است و فرزندانش می‌شود نو مکان است یعنی دور از خانه والدین زن یا شوهر زندگی می‌کنند و از لحاظ اقتصادی قبل از خانواده جهت یاب است در این نوع خانواده مهمترین انتظار و توقع متقابل زن و شوهر دیدن به یکدیگر است (اعزازی 45، 1382).

اگر گونه‌های خانواده‌ها جلوه‌ای از زندگی در دوران سنتی و مدرن بدانیم، مدرنیسم را باید به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط کنیم که از سده هفدهم به بعد، در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد (گیدنز^v، 1377، 4). مدرن هم، شخصی است که خود را با نظم جدید سازگار کرده است (گیدنز، 1377: 25 و 24). این نظم جدید بر پایه عقل گرایی، انسان محوری، فردگرایی و آزادی فردی و اجتماعی بنیان نهاده شده است. نوسازی در واقع یک فرآیند چند بعدی است؛ و آن عبارت از نو شدن و تحول دائمی در همه ابعاد تمدن بشری است، از این رو نیل اسملسر^{vi} معتقد است نوسازی شامل همه تحولاتی است، که در زمینه‌های سیاسی، آموزشی، دینی، خانوادگی و طبقاتی به وقوع می‌پیوندد. (اسملسر، 1353، 166).

«مدرنیزاسیون» نوعی فرهنگ پذیری است در مفهوم عام آن، به عنوان یک کنش فرهنگی دارای معنایی بسیار وسیع‌تر از توسعه اقتصادی و اجتماعی است (محمد زاده و حاجیانی 4، 1396). در این مقاله دیدگاه‌های نظری در خصوص متغیر خانواده نیز مورد توجه قرار گرفته اند.

بر اساس مطالعات انجام شده برای عملیاتی شدن مفاهیم موجود در مقوله مدرن شدن، نه بعد اصلی شناسایی شده‌اند که خانواده در ابعاد اجتماعی، برابر خواهی، غرب‌گرایی و دنیا‌گرایی به عنوان یک شاخص اصلی در نظر گرفته شده است. (محمد زاده و حاجیانی، 4، 1396). اینگلهارت^{vii} (1373) به انتخاب‌های فردی در سبک و جوانب زندگی مانند نحوه تشکیل خانواده و تقید به ارزش‌های قدیم توجه نموده است. در تحقیقات ساروخانی و بابایی فرد (1388) به رابطه هویت خانوادگی با هویت مدرن پرداخته‌اند که ماهیت هویت مدرن را روشن‌تر می‌سازد (محمد زاده و حاجیانی، 4، 1396).

در مورد خانواده صاحب‌نظران بر این باورند که خانواده نوعی نظام اجتماعی و واحدی عاطفی است که کانون رشد و تغییر و تحول اعضاء و روابط بین آنهاست. همچنین خانواده عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن

اصلی جامعه است که در هر عصری و نسلی عملکرد دارد و معمولاً این عملکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می‌کند. اشاعه نوگرایی به ویژه در شهرهای بزرگ و صنعتی با عواملی چون وجود گروه‌های حمایتی از افراد جامعه، شکل‌گیری بازارهای شهری، اصناف، افزایش آگاهی زنان، تحول در وضعیت ازدواج و زناشویی، افزایش سطح تحصیلی زنان و توسعه اشتغال آنها از جمله عواملی است که سبب شده چهره خانواده دگرگون و فردی شود. در مقابل، جامعه سنتی تا حد زیادی جمعی است و سنتی وجود ندارد که الگوهای آن فردی باشد. بنابراین گذر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای نشان دهنده این واقعیت است که خانواده هسته‌ای، به تغییر از سنت به نوگرایی گرایش دارد (ساروخانی و قاسمی، 1391، 7). گیدنز تاثیر مدرنیسم بر خانواده - رادرواج انتخاب آزادانه همسر، ازدواج‌های تنظیم شده، تضعیف نفوذ گروه‌های خویشاوندی بهم پیوسته، افزایش - حقوق زنان، آزادی‌های جنسی و مواردی از این قبیل می‌داند. بدون شک خانواده رکن اصلی نهادهای اجتماعی و موجد سرمایه فرهنگی است یعنی انتقال ارزشهای فرهنگی که در سرمایه تجسم یافته یا درونی شده تجلی می‌یابد توسط خانواده صورت می‌گیرد چنانچه این انتقال با مانع روبرو شود نسل آینده خالی از آن ارزش‌ها خواهد شد و معلوم نیست ارزش‌های جایگزین آن را به چه سمت و سویی ببرند (ارمکی 1390: 11). ارزش‌هایی که در فرهنگ‌های مختلف در حال تغییر است (سایه و نایت، 2010). به نظر بوردیو تجسم این ارزشها را در ذائقه‌های فرهنگی می‌توان مشاهده کرد که وسیله‌ای برای شناسایی و تمایز گروه‌ها و طبقات اجتماعی و ابزاری برای تسهیل همبستگی، انسجام درون گروهی و درون جامعه‌ای هستند (بوردیو، 1984، 271).

خانواده ایرانی در دوران معاصر تحولات قابل ملاحظه‌ای داشته است از جمله در روابط میان فردی، انتخاب همسر و زندگی خصوصی، شکل‌گیری خانواده هسته‌ای، ازدواج‌های غیر فامیلی، افزایش حقوق زن در خانواده شاهد تغییراتی بوده است. برخی، این تحولات را نامطلوب برخی دیگر این تغییرات را الزامی و گروه سوم همزمان با پذیرش تغییرات به ثبات خانواده توجه داشته اندومی‌گویند اگر ساختار رسمی خانواده را حفظ نکنیم ممکن است به فروپاشی آن منجر شود. بر اساس پژوهش صادقی فسایی و عرفان منش (1392) برای بررسی خانواده می‌توان به رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی توجه کرد. رویکرد کارکردگرایی خانواده را وابسته به وظیفه‌ای که بر عهده دارد می‌داند و ساخت‌گرایی که تغییرات را می‌پذیرد و دوره‌های مختلف تحول خانواده را بر اساس این تغییرات و پایداری آن بررسی می‌کند. دیدگاه نوسازی نیز می‌گوید تفاوت یک جامعه پیشرفته با دیگر جوامع در این است که جامعه مدرن، تمایزات ساختی، کارکردی عناصر ساختی را کامل گذرانده است. شلسکی هم به عنوان یک نظریه پرداز خانواده اعتقاد دارد هر اندازه در خانواده کارکردهای نهادی بیشتری باقی مانده باشد، خانواده ثبات بیشتری دارد. منظور وی از این کارکردها این است که با وجود صنعتی شدن، کارکردهای اجتماعی و عمومی خانواده همچنان وجود داشته باشند. گیدنز روند مدرن شدن را تسهیل کننده برتری خانواده هسته‌ای می‌داند. (صادقی فسایی و عرفان منش، 1392).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد خانواده ایرانی با وجود تاثیرات فراوان مدرن شدن هنوز از نفوذ اجتماعی بالایی برخوردار است و در کنار دین و دولت کانون اصلی ساماندهی اجتماعی است. در کنار آن شکل‌گیری برخی آزادی‌های جنسی، ضعف در نظارت‌ها و ضوابط اخلاقی منجر به تهدید بقای خانواده در حالت هنجاری خود شده است. خانواده در ایران همچنین متأثر از تعلقات در ابعاد مختلف است بر همین اساس تحولات خانواده در سطوح خرد، متوسط و کلان، متضمن شناسایی عواملی است که تحولات مزبور را به وجود آوردند که البته

موضوع بحث این پژوهش نیست. یکی از اشکال غیررسمی خانواده ازدواج سفید وهم باشی است. ازدواج سفید، به نوعی از ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی گفته می‌شود که ثبت رسمی نمی‌شود. به بیان ساده در این نوع ازدواج اطلاعات مربوط به آن در هیچ دفتر ثبت اسنادی ثبت نمی‌شود. موضوع ازدواج سفید در دنیا موضوع جدید و تازه‌ای نیست. سال‌هاست که جامعه غرب با این موضوع روبرو است. این نوع ازدواج دارای ثبت رسمی نیست، در نتیجه هیچ تعهد قانونی بین دو طرف وجود ندارد. هم باشی نوعی هم خانگی است. خانم و آقا بدون ثبت رسمی با یکدیگر در یک خانه زندگی می‌کنند. با وجود اینکه ازدواج آنها جایی ثبت نشده است، مسائل مربوط به خانه و زندگی بر دوش هر دو نفر آنها است. در ازدواج سفید پیوندی به مدت نامعلوم بین دو فرد برقرار است که فاقد مشروعیت اجتماعی و حقوقی است. در ایران با توجه به فرهنگ حاضر و نقش پر رنگ مذهب در خانواده‌ها، روال رایج و مطلوب بین زوج‌ها و خانواده‌ها، ازدواج رسمی و سنتی است.

ما در این بررسی فرضیه‌مان این است که سرمایه فرهنگی تاچه میزان به گرایش به گونه‌های سنتی و مدرن خانواده منجر شده است. در واقع بررسی تغییرات خانواده مدنظر نیست بلکه اثرپذیری آن از سرمایه فرهنگی و اینکه باعث چه تغییراتی درگون‌های خانواده می‌شود، مد نظر است.

خلاصه پیشینه پژوهش

| ردیف | نویسنده | عنوان | نتایج |
|------|---|---|--|
| 1 | پوررحیمی، سحر و کنعانی، محمد امین و حلاج‌زاده، هدا (1399) | نقش سرمایه فرهنگی خانواده در سبک‌های فرزند پروری مطالعه ای در میان سرپرستان خانواده های رشت | رابطه معنادار میان سرمایه فرهنگی و سبک‌های فرزندپروری وجود دارد. کل متغیرهای مستقل شامل سرمایه فرهنگی تجسم یافته سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادی و پایگاه اقتصادی اجتماعی به ترتیب ۲۹ و ۴۳ و ۱۷ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته راتبیین می‌کنند. |
| | سمیرامیس، شاه اسماعیل نژاد خراسانی و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۹) | ظهور خانواده مدرن در ایران با تکیه بر تغییرات اجتماعی دوره قاجار و پهلوی | مدرنیسم درفردان جامعه مدنی قدرتمند در ایران رخ داده است و مدرنیته آمرانه بر ساختار خانواده همار لحاظ شکلی و ساختاری تاثیر داشته است و این در حالی است که ریشه های سنتی خانواده کامل گسسته نشده است. |

| | | | |
|--|--|--|--|
| <p>افراد با سرمایه فرهنگی بالاتر به دنبال سبک‌های زندگی انتخابی و نوعی فردگرایی در این گونه افراد مشاهده می‌شود رابطه همبستگی معکوس بین سرمایه فرهنگی و خانواده‌گرایی وجود دارد یعنی هر چه سرمایه فرهنگی بالاتر می‌رود خانواده‌گرایی کاهش می‌یابد و در واقع با افزایش سرمایه فرهنگی فردی بر مبنای سلاقی و عادات خود افزایش می‌یابد.</p> <p>بار اصلی ازدواج و گذار به بزرگسالی جوانان بر عهده خانواده است که خود منابع لازم را برای مدیریت این موضوع در اختیار ندارد. باید خانواده با خواسته‌های جوانان کنار آید استقلال و فردگرایی آنها را در آشنایی و انتخاب همسر بپذیرد و همچنان حمایت خود را از آنان دریغ نکند. پیامدهای منفی مدرنیته از جمله تغییر در ساختار و شکل خانواده و شیوه همسرگزینی، کاهش روابط عاطفی خانواده، نرخ باروری و افزایش طلاق مورد بررسی قرار گرفته است.</p> | <p>بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و خانواده‌گرایی در بین ساکنان شهر اصفهان</p> <p>جوانان، خانواده و مدیریت ازدواج</p> <p>تاثیر مدرنیته بر خانواده</p> | <p>امامی، پریرخ و هاشمیان فر سیدعلی و حقیقتیان، منصور (1398)</p> <p>فسایی و بنی‌جمالی (1398)</p> <p>احمدی (۱۳۹۷)</p> | |
|--|--|--|--|

| | | | |
|---|---|--|--|
| <p>سرمایه فرهنگی تجسم یافته بر سبک زندگی دینی تأثیر مستقیم- و معناداری دارد و سرمایه فرهنگی ۳۱ درصد از تغییرات سبک زندگی دینی را تبیین می‌کند، یعنی- دانشجویان فرهنگ و دین و ارزشهای مبتنی بر جامعه را کنار نمی‌گذارند اما تعدیل می‌کنند تا با تنوع انتخاب بیشتری مواجه شوند.</p> | <p>بررسی جامعه شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی دانشجویان</p> | <p>ابراهیمی، قربانعلی و جانعلی زاده چوب بستی، حیدر و بولاغی، مهدی (۱۳۹۶)</p> | |
| <p>تجددگرایی مدرن بزرگترین تأثیر را بر کاهش سرمایه خانواده ایرانی به- جای گذاشته است و تجدد گرایی- پسامدرن باعث افزایش سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی می- شود. همچنین بین تجددگرایی و سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.</p> | <p>مدرن گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده در ایران</p> | <p>شکر بیگی، عالی (۱۳۹۶)</p> | |
| <p>بین سرمایه فرهنگی و مواجهه با رفتارهای غیر اخلاقی رابطه معماگونه برقرار است و برخورداری بیشتر از سرمایه اجتماعی بازدارنده مواجهه زنان با رفتار های غیر اخلاقی است و برخورداری بیشتر از سرمایه فرهنگی تسهیل کننده مواجهه زنان و دختران با همان رفتارهای باشد.</p> | <p>تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواجهه زنان با رفتارهای غیر اخلاقی</p> | <p>بقایی سرایی، علی و حق شناس، سمیه (۱۳۹۵)</p> | |
| <p>بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی از لحاظ رفتاری رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد.</p> | <p>بررسی جامعه شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای</p> | <p>فیروزجانیان، علی اصغرو شارع پور، محمود و فرزام، نازنین (۱۳۹۵)</p> | |

| | | | |
|--|---|--|--|
| با افزایش سرمایه فرهنگی میزان مدارای فرد با دیگران در جامعه افزایش می‌یابد. | اجتماعی | | |
| حدود 53 درصد از زنان به مدرنیته گرایش متوسط به بالا دارند. | رابطه گرایش به مدرنیته با سبک زندگی زنان جوان | سفیری وهمکاران(1394) | |
| ارزش های سنتی حوزه خانواده هنوز تا حد زیادی به قوت خود باقی است و ارزش های مدرن نیز آرام آرام و به تدریج در حال شکل گیری هستند. | نوسازی و فرایند تحول ارزش ها در خانواده های شهر بوکان | زاهدی،خضرنژاد (1392) | |
| درآمد بالا منجر به رضایت در روابط زوجین می شود و در واقع نقش سرمایه فرهنگی در این زمینه ناچیز است | سرمایه فرهنگی و رضایت زناشویی | بارچام(۲۰۱۲) (به نقل از امامی،پریرخ وهاشمیان فر،سیدعلی و حقیقتیان، منصور،1398) | |
| زوجین در شرایط عادی تصمیم گیری به طور مشترک راترجیح می‌دهندولی در هنگام اختلاف، قدرت به سمت کسی تمایل پیدا می‌کند که مسئولیت‌های خانوادگی- بزرگتری رابرعهد گرفته است و درواقع نقش سرمایه اقتصادی پررنگ تر از سایر اشکال سرمایه می‌شود. | سرمایه فرهنگی و روابط زوجین در خانواده های چینی | زو(۲۰۰۸) | |

| | | |
|--|-------------------------|---------------|
| اگرچه به خانواده‌گرایی به‌عنوان یک ارزش فرهنگی اسپانیایی توجه می‌شود اما می‌تواند در بین-سایر گروه‌های قومی رواج یابد. همچنین در همین تحقیق نشان داده شد که تفاوت‌های معناداری در خانواده‌گرایی در سایر اقوام وجود دارد. | خانواده‌گرایی در آمریکا | شوارتز (۲۰۰۷) |
|--|-------------------------|---------------|

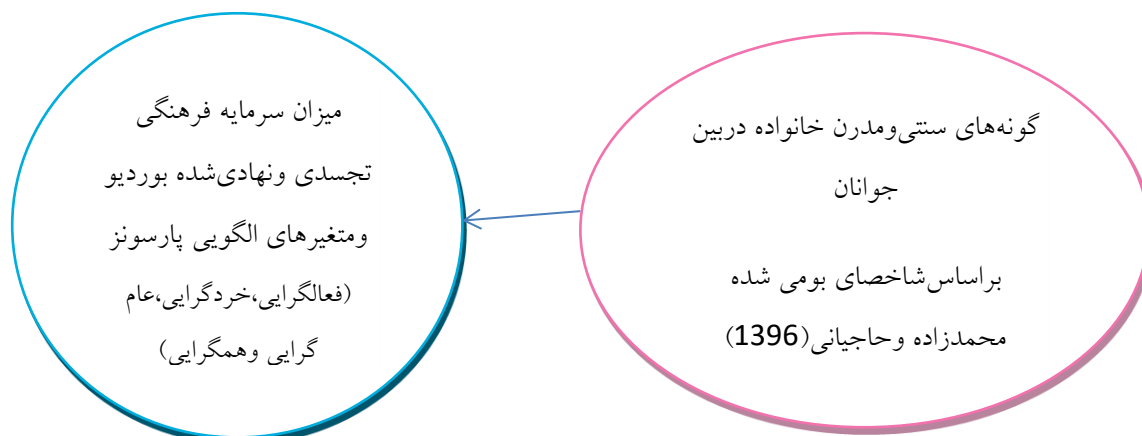
نقدپیشینه نظری و تجربی: آن چنان که مطالعه جان علیزاده و همکاران (1390) این را تأیید می‌کند، مطالعات پیشین نواقصی مانند «عدم تبیین یا نارسایی‌های تبیینی، عدم استفاده از نظریه‌ها یا کاربرد نادرست آنان، فقدان اعتبار یا کاستی در انتخاب شاخص‌های مدرج و معتبر و اعتبار شاخص‌ها» دارند. البته تحقیقی که در آن به طور مستقیم به تأثیر گونه غیررسمی خانواده از سرمایه نمادین فرهنگی توجه شده باشد، یافته نشد که براهمیت اجرای این پژوهش افزود.

مدل مفهومی: مدل تلفیقی و برگرفته از نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو در ابعاد تجسیدی و نهادی، متغیرهای الگویی پارسونز و شاخص‌های بومی شده ابعاد زندگی مدرن توسط محمدزاده و حاجیانی (1396) است که در آن تأثیر سرمایه فرهنگی بر خانواده بررسی شده است. در این مقاله از ابعاد برابری خواهی، غرب‌گرایی و در زمانه بودن با شاخص‌های تعیین شده برای سنجش گرایش به سنت یا مدرنیسم در متغیر خانواده و تأثیر سرمایه فرهنگی در آن استفاده شده است.

ابعاد و شاخصهای مدرنیسم

| ابعاد | شاخص‌ها |
|---------------|---|
| برابری خواهی | 1. الگوهای جدید ارتباط زوجین؛ 2. |
| غرب‌گرایی | 1. گرایش به شیوه مرسوم زندگی مدرن، اعتقاد به تساوی شکلی- و محتوایی جایگاه زن و مرد در جامعه |
| در زمانه بودن | 1. تمایل به الگوگیری از مد روز و گزینش شخصی |

محمدزاده و حاجیانی (4، 1396)



فرضیه تحقیق:

سرمایه فرهنگی تجسیدی یا چهار مؤلفه فعال‌گرایی، خردگرایی، عام‌گرایی و هم‌گرایی و سرمایه فرهنگی نهادی بر نوع خانواده (سنتگر او مدرن) تاثیر دارد هر چه بر خورداری از سرمایه فرهنگی بیشتر باشد مدرن‌گرایی بیشتر می‌شود.

روش تحقیق

روش این مقاله از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی توصیفی و تبیینی است و با توجه به فرضیه، محقق از روش مستقیم و پرسشنامه استفاده نموده است.

قلمرو موضوعی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی جوانان است. قلمرو مکانی شهر خرم‌آباد می‌باشد. این تحقیق از لحاظ زمان و تاریخ اجرا در سال 400-1399 انجام شده است. جامعه آماری جوانان 19 تا 29 ساله شهر خرم‌آباد لرستان که بالغ بر 90 هزار نفر هستند حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی، مورگان 400 نفر است و روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و ترکیبی می‌باشد. فرد نمونه دارای شرایط زیر بوده است: 1 - مرد یا زن ساکن در شهر خرم‌آباد استان لرستان 2 - حداقل 19 سال و حداکثر 30 سال سن داشته‌اند. برای نمونه‌گیری از روش چند مرحله‌ای و ترکیبی استفاده شده است. یعنی انتخاب 5 محله از شهر از 22 محله شهر در چهار نقطه شمال، جنوب، شرق و غرب شهر بعنوان مناطق مورد مراجعه در دستور کار نمونه‌گیری قرار گرفته است. از آنجا که تعداد افراد مورد نظر از کل حجم نمونه برای هر محله مشخص بوده و از آنجا که کمترین تعداد جمعیت ساکن در هر بلوک عددی دو رقمی است عددی دو رقمی برای تعداد نمونه هر بلوک با استفاده از جدول اعداد تصادفی انتخاب شده که این عدد 15 می‌باشد یعنی از هر بلوک تا دسترسی به 15 نفر نمونه تحقیق، خانوار شماری ادامه یافته است. ابزار پژوهش بخشی از پرسشنامه استاندارد شده طرح کشوری رفتارهای فرهنگی ایرانیان که در سال 1394 توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سراسر کشور اجرا شده که در برخی متغیرها به روز رسانی شده و به همراه پرسشنامه استاندارد شده سرمایه اجتماعی و فرهنگی و مدل

سنجش مدرنیسم توسط محمدزاده وحاجیانی (1396) به صورت یک پرسشنامه محقق ساخته است. برای سنجش اعتبار ابزار اندازه گیری این پژوهش از اعتبار محتوا (تعیین میزان توافق داوران و اعتبار سازه) روش همبستگی گویه ها با مجموع گویه ها (استفاده شده و پس از انجام مراحل مذکور، پرسشنامه نهایی در بین یک نمونه 30 نفری اجراء شد که روایی و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ (0/91) برای سرمایه فرهنگی و (0/92) برای گونه های خانواده اثبات شده است.

روش تحلیل داده ها: ضمن استفاده از نرم افزار آماری spss و با استفاده از نرم افزار matlab از روش فازی و مجموعه های فازی و سیستم استنتاج فازی عصبی تطبیقی برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. دلایل متعدد و فراوانی برای انتخاب روش تحلیل فازی می توانیم عنوان کنیم که به اختصار به برخی از آنها اشاره می کنیم.

1- با استفاده از این روش امکان سنجش درجه انطباق مصادیق تجربی سرمایه فرهنگی و مدرنیسم با معانی جامعه شناختی این مفاهیم فراهم شد. به عنوان مثال در مدرنیسم، خانواده به تدریج در مصداق تجربی خود به سوی تلقی زندگی دوفره زن و مرد در کنار هم براساس فقط توافق خودشان سیر کرده است در حالی که در مفهوم کلاسیک جامعه شناختی، خانواده به یک زندگی جمعی که تعهدات اجتماعی و اخلاقی مبنای استمرار آن است و منجر به بقای نسل می گردد و در ردیف ارزش های فرهنگی و اجتماعی جامعه قرار می گیرد، تعریف شده است.

2- در استفاده از روش تحلیل فازی به دنبال آن بودیم که به جای حالت دوگانه صدق یا کذب بودن فرضیه، درجات صدق مبنای تحلیل قرار می گیرد. در واقع این نتیجه قابل بیان و تاکید است که نگوئیم رابطه وجود دارد یا خیر بلکه می گوئیم به چه میزان رابطه و اثر بین پدیده های مورد مطالعه در پژوهش وجود دارد. یعنی مصادیق نه به طور کامل قدرت انطباق با مفهوم را دارند و نه به طور کامل می توان به عدم انطباق آنها باور داشت.

3- در استفاده از روش تحلیل فازی توانستیم با مدرج سازی مفاهیم امکان ساخت مقیاس شبه ترتیبی به وجود آید که قادر است سطوح اندازه گیری کیفی و کمی را با همدیگر ترکیب کند و مزایای استفاده از هر یک از سطوح را فراهم سازد.

4- یکی از مهم ترین و کاربردی ترین مزیت استفاده از روش تحلیل فازی در این پژوهش امکان استفاده از داده های شبیه سازی شده است. یعنی با اجرای تغییرات در یک ورودی می توان تاثیر آن را در افزایش یا کاهش خروجی مشاهده کرد و سنجید.

5- با توجه به ماهیت غیر قطعی عوامل موثر بر پدیده های اجتماعی مورد مطالعه، تحلیل آنها نیز بایستی با روشی صورت می گرفت که با این ماهیت متناسب باشد و بر این اساس تحلیل فازی انتخاب شد چون امکان مدرج سازی عوامل را فراهم آورد و زمینه ورود به فضای ابعادی برای محقق فراهم ساخت و به جای تاکید بر قطعیت رابطه بین متغیرها بر درجه ای از رابطه بین متغیرها تاکید شده است. البته این رویکرد امکان تبیین ترکیبی و چندگانه را به طور جامع تری نسبت به روش تحلیل کلاسیک (خطی - همبستگی) بوجود می آورد. در واقع در این تحلیل بر اشتراکات مجموعه عوامل چندگانه سرمایه فرهنگی نمادین و نه تاثیرات مجزا و مستقل آنها تاکید دارد.

یافته های پژوهش:

در این بخش ابتدا توصیفی از ابعاد متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی) و ابعاد دو گانه متغیر وابسته (مدرنیسم و سنت گرایی در خانواده) ارائه شده است و سپس به تحلیل فازی تاثیر سرمایه فرهنگی بر این گونه ها توجه شده است. یافته های توصیفی: 1- بر اساس داده های تحقیق 81/5 درصد پاسخگویان در گروه سنی 22 تا 25 سال و 14/3 درصد در گروه سنی 25 تا 29 سال و 4/3 درصد در گروه 19 تا 22 سال قرار دارند همچنین 44 درصد زن و 56 درصد مرد و 58/1 درصد تحصیلات دانشگاهی در حد فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری داشته اند.

2- از کل پاسخگویان حدود 48/6 درصد (بیشترین) میزان سرمایه فرهنگی شان در حد مطلوب قرار گرفته و حدود 34.2 درصد از افراد نمونه میزان سرمایه فرهنگی شان در حد متوسط بوده و حدود 15.7 درصد در حد نامطلوب و حدود 1.6 درصد در حد کاملاً نامطلوب قرار گرفته است.

3- از کل پاسخگویان حدود 43 درصد (بیشترین) میزان گرایش به گونه مدرن خانواده رادر حد کاملاً زیاد و زیاد بیان کرده اند و حدود 57 درصد از افراد نمونه به گونه سنتی خانواده گرایش داشته اند.

یافته های تحلیلی (فازی)

در این بخش برای تحلیل تاثیر سرمایه فرهنگی بر مدرنیسم در متغیر خانواده در ابعاد سنتی و مدرن با استفاده از نرم افزار متلب از منطق فازی بهره گرفته شده است.

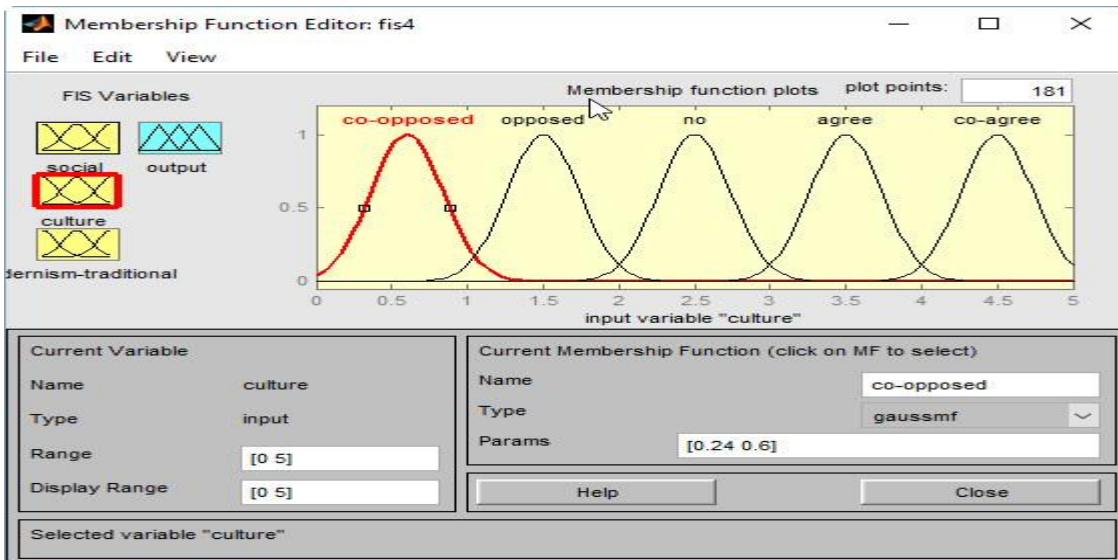
سرمایه فرهنگی

ماشین فازی سرمایه فرهنگی دارای پنج ورودی است که تابع عضویت آنها $fis2$ gaussmf است. ورودیها را به این نام معرفی کرده ایم: همگرایی (convergence)، علم گرایی (generalism)، فرد گرایی (rationalism)، فعال گرایی (activism) مدارک تحصیلی (Degrees).

این ماشین فازی دارای $6^4 = 1296$ قواعد است که به صورت ممدانی تعریف شدند. (توجه کنید هر ورودی در بازه [1-5] یک عدد صحیح می پذیرد).

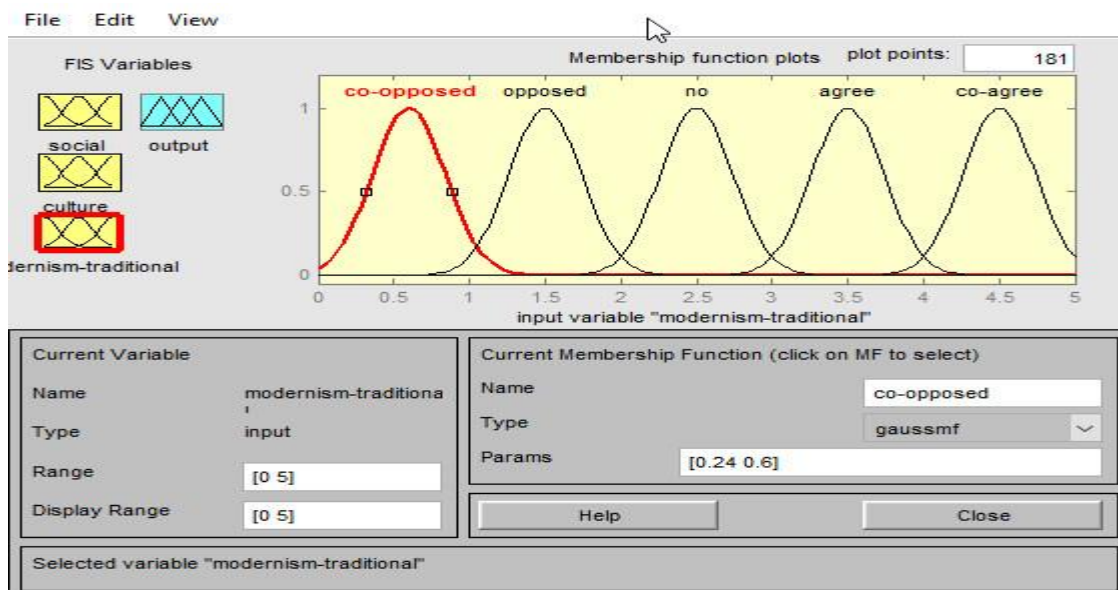
مدرنیسم و سنتی گرایی:

ماشین فازی در این مرحله دارای 6 ورودی است شامل خانواده سنتی، رسانه، اوقات فراغت سنتی، اوقات فراغت مدرن خانواده مدرن. هر کدام از این ورودی ها دارای 5 تابع عضویت است که در بازه (1-5) تعریف شده اند. در این ماشین فازی، تعداد قواعد 5^6 یا 15625 می باشد. خروجی ماشین به طور خاص تعریف شده است. اگر نتیجه تولید شده [0-3] تولید شود سنتی گرایی و اگر [3-5] باشد گرایش مدرنیسم می باشد.



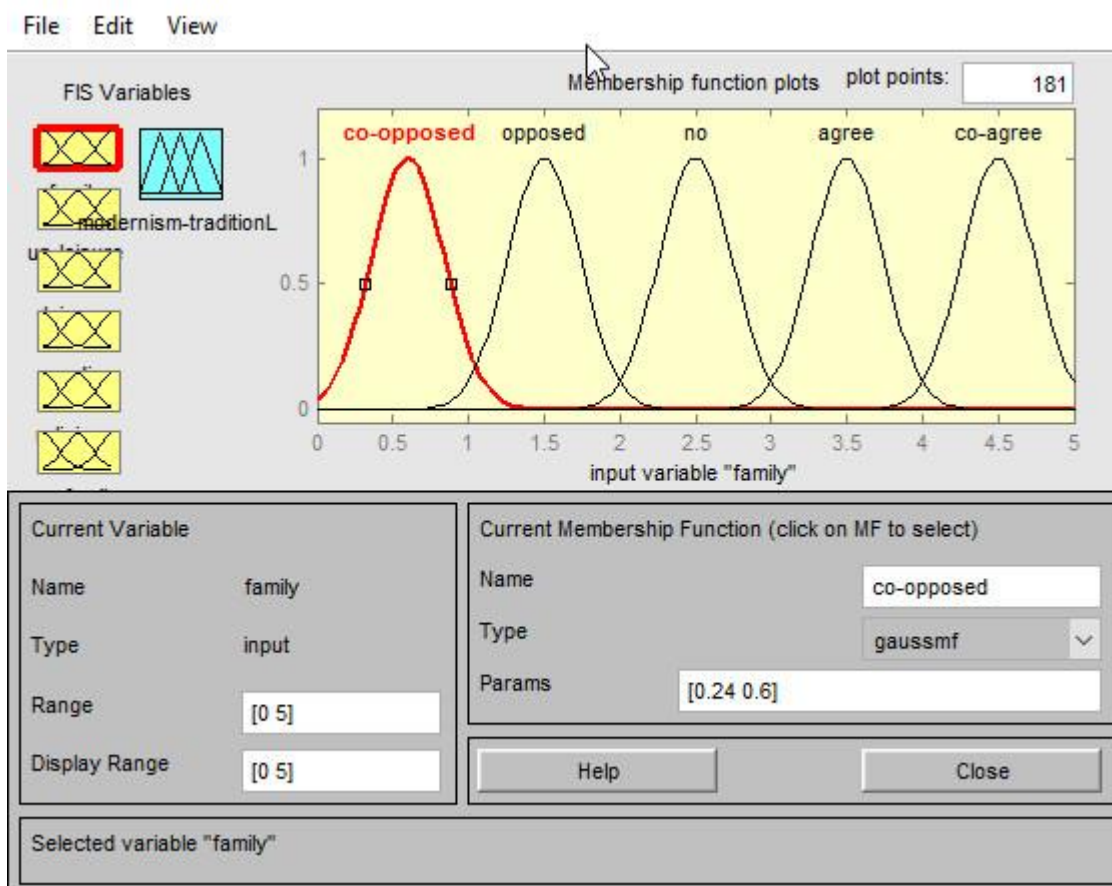
شکل یک- نمایی از سطوح ورودی سرمایه فرهنگی در ماشین فازی-عصبی

همچنان که در شکل فوق ملاحظه می گردد ، پنج منحنی زنگوله ای سطوح خیلی مخالف،مخالف،بی نظر ، موافق و خیلی موافق سرمایه فرهنگی) را نشان می دهند. همچنان که مشخص است این پنج سطح دارای فصول مشترک با یکدیگر می باشند. محور افقی ، داده های بدست آمده از میدان را نمایش می دهد که در یک مقیاس پنج قسمتی از صفر تا پنج تعریف شده بودند و محور عمودی ، درجه عضویت فازی را نشان می دهد که از صفر تا یک است. در اینجا دامنه تغییرات میدان در قسمت range نمایش داده شده است که براساس شکل فوق ، دامنه تغییرات (سرمایه فرهنگی) در پژوهش حاضر بر طبق مقیاس پنج قسمتی از صفر تا پنج می باشد. درجه عضویت فازی نیز در هر نقطه دلخواه بر روی نمودار فوق قابل تعیین خواهد بود.



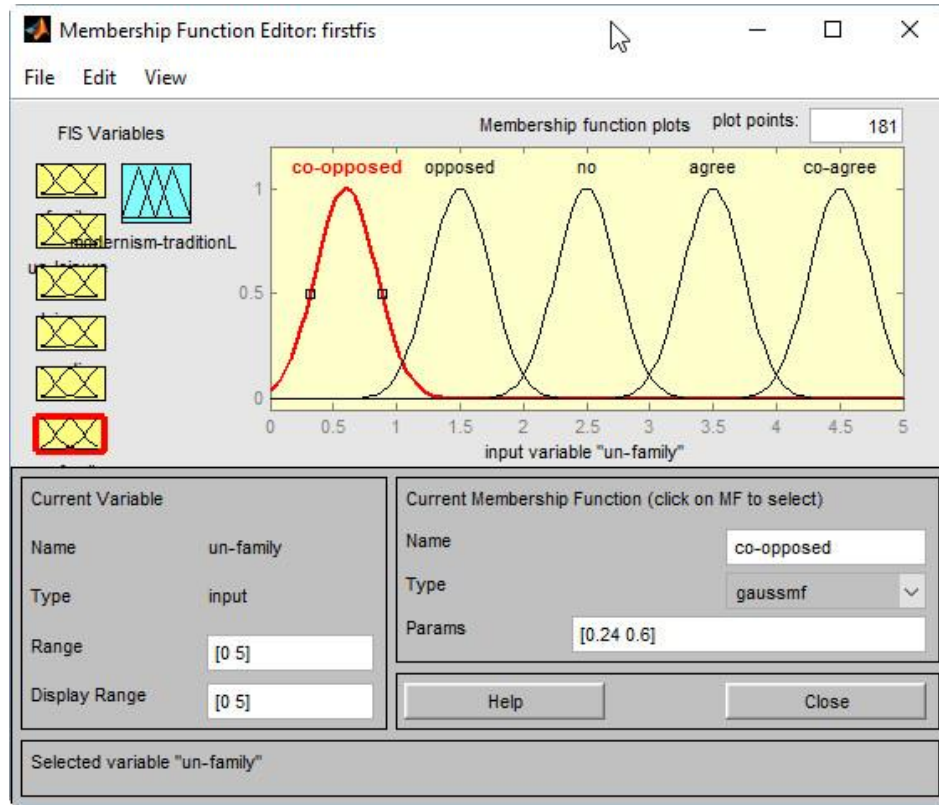
شکل دو- نمایی از سطوح ورودی خانواده در ابعاد سنتی و مدرن در ماشین فازی-عصبی

پنج منحنی زنگوله ای سطوح خیلی مخالف،مخالف،بی نظر ، موافق و خیلی موافق مدرنیسم بودن فرد را نشان می دهند. همچنان که مشخص است این پنج سطح دارای فصول مشترک با یکدیگر می باشند. محور افقی ، داده های بدست آمده از میدان را نمایش می دهد که در یک مقیاس پنج قسمتی از صفر تا پنج تعریف شده بودند و محور عمودی ، درجه عضویت فازی را نشان می دهد که از صفر تا یک است. در اینجا دامنه تغییرات میدان در قسمت range نمایش داده شده است که براساس شکل فوق ، دامنه تغییرات مدرنیسم بودن فرد در پژوهش حاضر بر طبق مقیاس پنج قسمتی از صفر تا پنج می باشد. درجه عضویت فازی نیز در هر نقطه دلخواه بر روی نمودار فوق قابل تعیین خواهد بود.



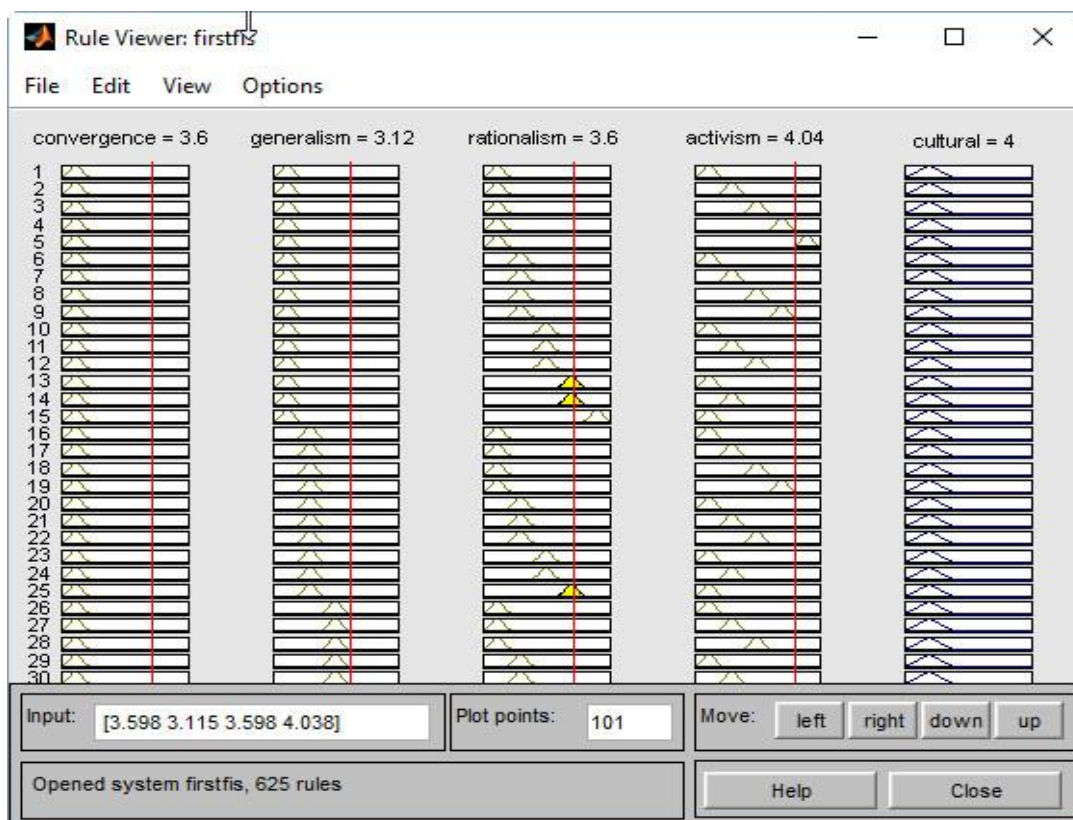
شکل سه- نمایی از سطوح خانواده سنتی در ماشین فازی مدرنیسم یا سنتی گرا

همچنان که در شکل فوق ملاحظه می گردد ، پنج منحنی زنگوله ای سطوح خیلی مخالف،مخالف،بی نظر ، موافق و خیلی موافق خانواده فرد را نشان می دهند. همچنان که مشخص است این پنج سطح دارای فصول مشترک با یکدیگر می باشند. محور افقی ، داده های بدست آمده از میدان را نمایش می دهد که در یک مقیاس پنج قسمتی از صفر تا پنج تعریف شده بودند و محور عمودی ، درجه عضویت فازی را نشان می دهد که از صفر تا یک است. در اینجا دامنه تغییرات میدان در قسمت range نمایش داده شده است که براساس شکل فوق ، دامنه تغییرات خانواده سنتی در پژوهش حاضر بر طبق مقیاس پنج قسمتی از صفر تا پنج می باشد. درجه عضویت فازی نیز در هر نقطه دلخواه بر روی نمودار فوق قابل تعیین خواهد بود.



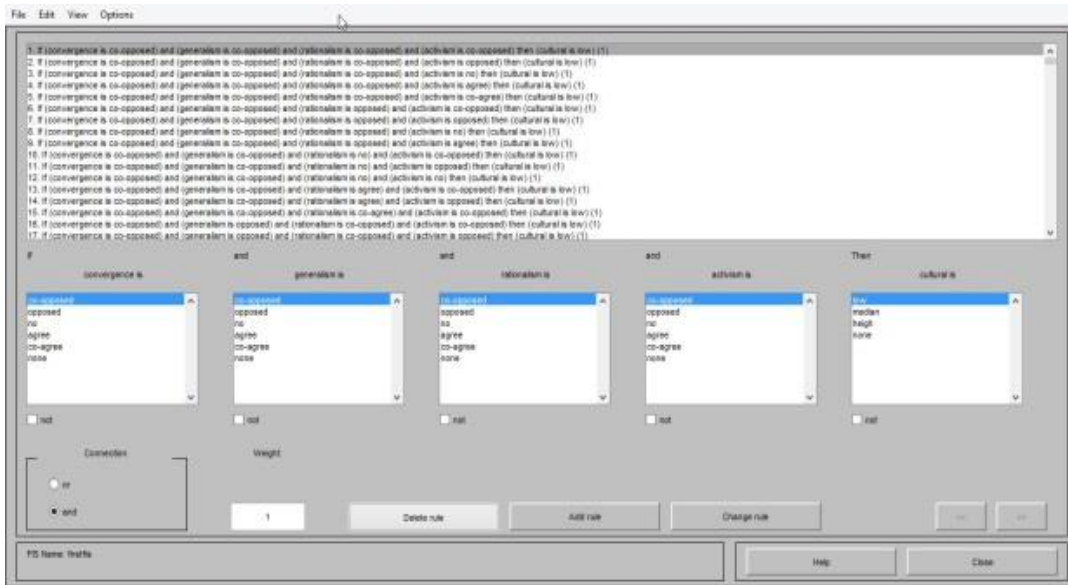
شکل چهار- نمایی از سطوح خانواده مدرن در ماشین فازی مدرنیسم یا سنتی گرا

همچنان که در شکل فوق ملاحظه می‌گردد، پنج منحنی زنگوله‌ای سطوح خیلی مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و خیلی موافق خانواده غیر رسمی فرد را نشان می‌دهند. همچنان که مشخص است این پنج سطح دارای فصول مشترک با یکدیگر می‌باشند. محور افقی، داده‌های بدست آمده از میدان را نمایش می‌دهد که در یک مقیاس پنج قسمتی از صفر تا پنج تعریف شده بودند و محور عمودی، درجه عضویت فازی را نشان می‌دهد که از صفر تا یک است. در اینجا دامنه تغییرات میدان در قسمت **range** نمایش داده شده است که براساس شکل فوق، دامنه خانواده مدرن در پژوهش حاضر بر طبق مقیاس پنج قسمتی از صفر تا پنج می‌باشد. درجه عضویت فازی نیز در هر نقطه دلخواه بر روی نمودار فوق قابل تعیین خواهد بود.



شکل پنج- مقادیر ورودی در سیستم فازی-عصبی تطبیقی برای سنجش سرمایه فرهنگی

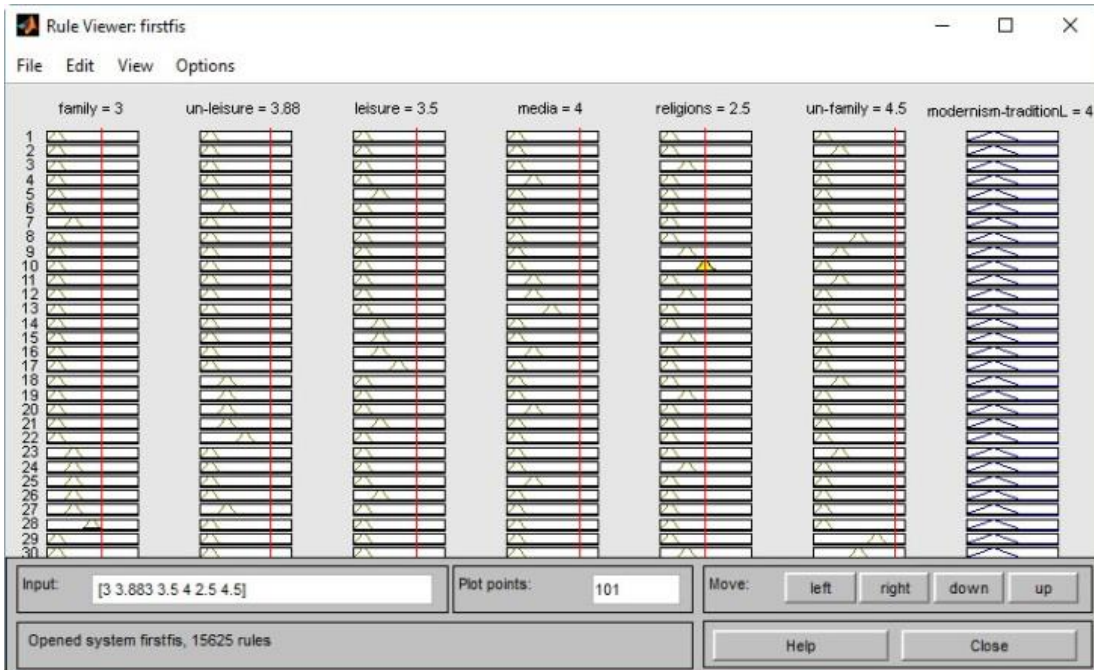
در این شکل، مقدار حداکثری ورودی اول یعنی میزان همگرایی به حداکثر واقعی براساس داده های میدانی یعنی $3/6$ ، میزان عام گرایی به حداکثر واقعی براساس داده های میدان یعنی $3/12$ ، مقدار حداکثری ورودی سوم یعنی میزان خرد گرایی به حداکثر واقعی براساس داده های میدانی یعنی $3/6$ و مقدار حداکثری ورودی چهارم یعنی میزان فعال گرایی به حداکثر واقعی بر اساس داده های میدانی $4/04$ تغییر یافته است. در این حالت میزان سرمایه فرهنگی فرد 4 محاسبه شده است که براساس داده های میدان بالاترین میزان سرمایه فرهنگی واقعی است. زمانی که همگرایی، عام گرایی، خردگرایی و میزان فعالگرایی فرد در حداکثر ممکن باشد، سرمایه فرهنگی فرد حداکثری است.



شکل شش - نمایی از قواعد فازی (سرمایه فرهنگی)

در اینجا چون امکان نمایش تمامی حالات 625 گانه قواعد فازی به علت طولانی بودن در یک تصویر امکان پذیر نبود، از قاعده اول تا قاعده هفدهم در شکل فوق نمایش داده شده اند.

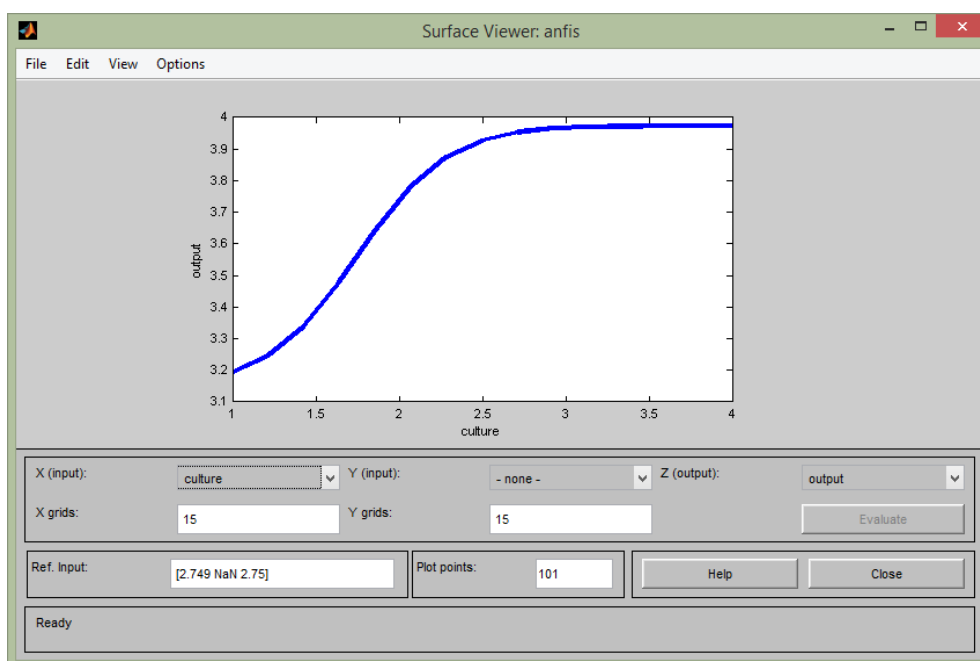
همچنان که ملاحظه می گردد، در هر قاعده، ابتدا با **If** و بعد از آن ورودی سوم آورده شده است. نتیجه نیز با **Then** و سپس وضعیت خروجی عنوان شده است. پنج جعبه **convergen is** (همگرایی) و **generalism is** (عام گرایی)، **retionalism** (خردگرایی) و **activism is** (فعال گرایی) و مدارک تحصیلی (**Degrees**) نشان دهنده حالت های ورودی ها هستند. جعبه **output is** نشان دهنده میزان هر خروجی در متغیر خانواده است.



شکل هفت - مقادیر ورودی در سیستم فازی - عصبی تطبیقی برای سنجش سنگرایی و مدرنیسم در خانواده

در شکل هفت، مقدار حداکثری ورودی اول یعنی میزان خانواده سنتی به حداکثر واقعی براساس داده های میدانی یعنی 3 تغییر یافته است. و مقدار حداکثری ورودی میزان خانواده مدرن به 3/7 تغییر یافته است. در این حالت میزان مدرنیسم 4 محاسبه شده است که براساس داده های میدان بالاترین میزان مدرنیسم واقعی است. در واقع فرضیه تحقیق در سیستم فازی مورد تایید قرار گرفته است. یعنی اول اینکه اگر فرد از حداکثر سرمایه فرهنگی برخوردار باشد، به مدرنیسم در خانواده میل پیدامی کند و اگر برخورداری وی از سرمایه فرهنگی حداقلی باشد به سنتگرایی در خانواده گرایش پیدامی کند. دوم اینکه اگر سرمایه فرهنگی را افزایش یا کاهش دهیم گرایش به خانواده مدرن افزایش یا کاهش پیدا می کند.

تغییر در ورودی سرمایه فرهنگی و تاثیر آن بر خروجی خانواده مدرن: در این حالت ورودی خانواده مدرن را ثابت نگه داشته و تاثیر تغییر در ورودی سرمایه فرهنگی را بر خروجی گرایش مدرن را مورد بررسی قرار می دهیم. نمودار تغییرات به شکل زیر خواهد بود:



شکل هشت- تغییر در ورودی سرمایه فرهنگی فرد و تاثیر آن بر خروجی خانواده مدرن

همچنان که در این شکل ملاحظه می گردد، چنان چه ورودی خانواده مدرن را ثابت نگه داریم، با افزایش میزان سرمایه فرهنگی، میزان خانواده مدرن افزایش یافته و سپس تقریباً ثابت می ماند. یعنی با افزایش میزان سرمایه فرهنگی از حداقل واقعی آن یعنی 1 ابتدا مدرنیسم از حدود 2/3 شروع شده و با افزایش سرمایه فرهنگی به تدریج افزایش می یابد تا به حدود 3 برسد در این نقطه با افزایش میزان سرمایه فرهنگی از 3 تا حدود 4، میزان خانواده مدرن در این نقطه ثابت می ماند.

تحلیل یافته ها، بحث و نتیجه گیری

مدرن شدن از منظر جامعه شناختی فرایند دست آوردن آگاهی، بازآوری و ارزیابی انتقادی مستمر از خود به منظور کسب بهترین الگوی تطابق با شرایط محیطی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است. در این دیدگاه هر

جامعه ای متناسب وضعیت خاص خود فرایندی منحصر به خود از مدرن شدن را طی می کند، فرایندی که ممکن است با جوامع مشابه خود وجوهی مشترک، و با جوامع دیگر اشتراکات کمتری داشته باشد، اما در هر صورت، کلیت مدیریت هر جامعه ای منحصر به فرد است. بنابر این فرایند مدرن شدن همواره در ماهیت خود نوعی انطباق با بومی سازی پی در پی همراه است.

در این پژوهش با هدف دوری جستن از تک ساحتی دیدن عوامل و با ارائه طرح نظری نوینی در رابطه با مقوله مدرنیسم، اقدام به ساخت گونه های مدرنیسم در متغیرهای چهارگانه با توجه به سرمایه فرهنگی درونی شده فرد در جامعه نمودیم. نتایج بدست آمده از میدان به روشنی نشان داد که متغیرهای الگویی سرمایه فرهنگی و ابعاد درونی شده آن در رابطه با گرایش مدرن به ندرت منفک از یکدیگر عمل می کنند و این تاثیر ترکیبی و تعاملی آنهاست که منجر به شکل گیری گونه ای خاص از کنش مدرن می شود. چیزی که پس از انجام پژوهش نیز داده های میدان آنرا تایید می کرد. به نظر آنچه که در واقعیت، تفاوت بین نقش های مختلف در جامعه را از نظر توزیع سرمایه فرهنگی و مدرنیسم مشخص می ساخت، تفاوت در میزان های هریک از این متغیرها بود. ماهیت غیر قطعی عواملی که مورد پژوهش قرار گرفتند، این واقعیت را آشکار ساخت که تحلیل آنها نیز بایستی با اتخاذ رویکردی صورت گیرد که با این ماهیت متناسب باشند که رویکرد فازی انتخاب شد. رویکرد فازی در این پژوهش امکان مدرج سازی عوامل را فراهم آورد که این امر نیز به نوبه خود ورود آنها را به فضای چندبعدی ممکن ساخت.

نتایج حاصله نشان داد که مدل و فرضیه تحقیق مبنی بر تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده بر خانواده مدرن در بین جوانان تایید شده است و خانواده مدرن از سرمایه فرهنگی تاثیر می پذیرد به طوری که هرچه برخورداری فرد از سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، مدرن گرایی بیشتر می شود و اگر مقادیر شاخص های سرمایه فرهنگی را افزایش دهیم - مقدار خانواده مدرن نیز افزایش می یابد. این مطالعه نشان داد که عامل متغیرهای الگویی چهارگانه سرمایه فرهنگی درونی - شده و داشتن سرمایه نهادی شده (مدارک تحصیلی) در ابعاد قابل سنجش مدرنیسم در خانواده، شامل شاخص های برابری خواهی، غرب گرایی و در زمانه بودن موثرند و هرچه میزان آنها بیشتر شود امکان سوق دادن فرد به انتخاب گونه هایی از زندگی مدرن در خانواده افزایش خواهد یافت و این با نتایج پژوهشهای هویت مدرن، استفنسون (1968) و اشنایرگ و آرمر (1972) اینگلهارت (1373) انتخاب های فردی در سبک و جوانب زندگی مانند نحوه تشکیل خانواده، نتایج تحقیقات انجام شده، توسط ساروخانی و قاسمی (1391) در رابطه هویت خانوادگی با هویت مدرن (محمد زاده و حاجبانی، 4، 1396) قرابت و نزدیکی قابل ملاحظه ای دارد همچنین نتایج این تحقیق با یافته های تحقیقات پیشین که تغییرات معاصر خانواده های ایرانی رادر فرد گرایانه شدن ازدواج، گسترش روابط پیش از ازدواج، افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسب های خانوادگی، کاهش گفتمان خانواده گرایی، کاهش اهمیت فرزندآوری، گسترش از هم گسیختگی پیوندهای خانوادگی و به دنبال آن افزایش میزان طلاق، کاهش گرایش به تشکیل خانواده و در مقابل افزایش گرایش به زندگی مجردی دیده اند تطابق قابل ملاحظه ای دارد (چراغی کوتیانی، 12، 1400). نتایج این پژوهش نشان می دهد که رویکردی که به نظر می رسد قابل دفاع باشد. تلفیق متوازن سنت و مدرنیسم است. توازن حکایت از نوعی ترکیب معنادار دارد به این شکل که هر عنصر در جایگاه واقعی خویش و به اندازه نیاز حضور داشته باشد و معیار این حضور را شرایط جامعه و مقتضیات آن مشخص می سازد. همچنین با توجه به نتایج پژوهش، به نظر می رسد توجه جدی به استفاده از شاخصهای ترکیبی چندگانه در مطالعات فرهنگی و توجه ویژه به رویکردهای ترکیبی (کمی و کیفی)

در روشهای پژوهش و تجزیه و تحلیل‌های مرتبط با مطالعات سرمایه فرهنگی و همچنین نوگرایی و مدرنیسم، می‌تواند در تحلیل این پدیده در ابعاد و شاخصهای بیشتری موثر باشد.

خلاصه تطبیق نتایج با پیشینه پژوهش را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

تطبیق نتایج با پیشینه پژوهش

| نظریه | نتیجه |
|---|--|
| سمیرامیس، شاه اسماعیل نژاد خراسانی و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۹) | مدرنیسم در فقدان جامعه مدنی قدرتمند در ایران رخ داده است و مدرنیته آمرانه بر ساختار خانواده همار لحاظ شکلی و ساختاری تاثیر داشته است و این در حالی است که ریشه های سنتی خانواده کامل گسسته نشده است. |
| محمدزاده وحاجیانی (1396) | جامعه مورد پژوهش در ابعاد اجتماعی، غربگرایی، در زمانه بودن و دنیاگرایی از مدل مفهومی طراحی شده تبعیت می‌کند. یعنی هرچه گرایش به این ابعاد زیاد باشد گرایش به مدرنیسم زیادتر می‌شود. |
| امامی، پریخ و هاشمیان فر ، سیدعلی و حقیقتیان، منصور (1398) | افراد با سرمایه فرهنگی بالاتر به دنبال سبک‌های زندگی انتخابی و نوعی فردگرایی هستند. |
| احمدی (۱۳۹۷) شکریگی، عالیه (۱۳۹۶) بقایی سرایی، علی و حق شناس، سمیه (۱۳۹۵) سفیری و همکاران (1394) | تایید تاثیر سرمایه فرهنگی بر خانواده تجددگرایی مدرن بزرگترین تاثیر را بر کاهش سرمایه خانواده ایرانی به جای- گذاشته است. بین سرمایه فرهنگی و مواجهه با رفتارهای غیر اخلاقی رابطه معماگونه برقرار است بر خورداری بیشتر از سرمایه فرهنگی تسهیل کننده مواجهه زنان و دختران با همان رفتارهای باشد. حدود 53 درصد از زنان به مدرنیته گرایش متوسط به بالا دارند. |

همچنین با توجه به نتایج پژوهش، به نظر می‌رسد توجه جدی به استفاده از شاخص‌های ترکیبی چندگانه در مطالعات فرهنگی و توجه ویژه به رویکردهای ترکیبی (کمی و کیفی) در روش‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل‌های مرتبط با مطالعات سرمایه فرهنگی و همچنین نوگرایی و مدرنیسم، می‌تواند در تحلیل این پدیده در ابعاد و شاخص‌های بیشتری موثر باشد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: سمت
- ابراهیمی، قربانعلی و جانعلی زاده چوب بستی، حیدر و بولاغی، مهدی (۱۳۹۶) بررسی جامعه‌شناختی تاثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی دانشجویان مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۰، صفحات ۱۳۸ تا ۱۱۳
- احمدی، فاطمه (۱۳۹۷) تاثیر مدرنیته بر خانواده، فصلنامه تخصصی پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، سال اول، شماره اول صفحات ۱۹-۷
- اسملسر، نیل (1353) نوسازی جامعه، ترجمه رحمت الله مراغه‌ای و دیگران، تهران، جیبی.
- افشار کهن، ج (1383) بازخوانی جامعه‌شناسی سنت گرایی و تجدید طلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران: انتشارات آوای نور.
- اعزازی، شهلا (1382) جامعه‌شناسی خانواده، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان
- امامی، پریخ و هاشمیان فر، سیدعلی و حقیقتیان، منصور (1396) بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و خانواده گرایی در بین ساکنان شهر اصفهان، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، سال ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۳۷، صفحات ۱۸۴-۱۶۵
- بابایی، یحیی علی و باینگانی، بهمن (1390) بررسی تاثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال 4 شماره 12.
- بقایی سرابی، علی و حق شناس، سمیه (۱۳۹۵) تاثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواجهه زنان با رفتارهای غیر اخلاقی فصلنامه پژوهشنامه زنان، سال ۷، شماره اول، صفحات ۹۷ تا ۷۳
- پوررحیمی، سحر و کنعانی، محمد امین و حلاج‌زاده، هدا (1399) نقش سرمایه فرهنگی خانواده در سبک‌های فرزند پروری مطالعه‌ای در میان سرپرستان خانواده‌های رشت، فصلنامه خانواده و پژوهش، دوره ۱۷، شماره ۲۴۷، صفحات ۱۱۸ تا ۹۷
- تنهایی، حسین ابوالحسن و شکر بیگی، عالیه (1387) جهانی شدن و تجدیدگرایی خانواده در ایران، جامعه‌شناسی شماره 11، صفحات 33 تا 55
- زاهدی، محمد جواد و خضر نژاد، عمر (1392) نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در خانواده‌های شهر بوکان، فصلنامه جامعه‌شناسی دوره 14 شماره 1.

جان عزیزاده، حیدر، خوش فر، غلامرضا و سپهر (1390) سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره 2.

چلبی، مسعود (1382) جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نی، چاپ دوم. حاجیانی، ابراهیم و درویشی، محسن (1392) گرایش ایرانیان به هویت مدرن، فصلنامه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران سال 2 شماره 4.

حجتی نیا، محبوبه (۱۳۹۴) بررسی رضایت زناشویی زنان ارتباط آن با سرمایه فرهنگی زوجین مورد مطالعه زنان متاهل ۱۵ تا ۵۴ ساله شهر یاسوج، دانشگاه یاسوج، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد

خادمیان، طلعت (1390) سبک زندگی و مصرف فرهنگی ایرانیان، تهران: انتشارات جهان کتاب، چاپ سوم خلیلی، سمانه و همکاران (1394) رویکرد تلفیقی به فرهنگ ایران، جامعه پژوهی فرهنگی سال ششم شماره 4.

سالنامه آماری سال 1398 منتشره توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان لرستان.

ساروخانی، باقر، قاسمی، علیرضا، (1391) بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر افزایش طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره 21

سفیری، خدیجه و همکاران (1394) بررسی رابطه گرایش به مدرنیته با سبک زندگی زنان جوان، فصلنامه نامه علوم اجتماعی شماره 10.

سمیرامیس، شاه اسماعیل نژاد خراسانی و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۹) ظهور خانواده مدرن در ایران با تکیه بر تغییرات اجتماعی دوره قاجار و پهلوی، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال، ۱۳، شماره ۴۹، صفحات ۸۳-۶۱

شکریگی، عالیه (۱۳۹۶) مدرن گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده در ایران تحقیقی در شهر تهران، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره اول، صص ۲۰۷-۱۸۳

صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۲) تحلیل جامعه‌شناختی تاثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی و اسلامی، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۱، صفحات ۸۴ تا ۶۳

صالحی امیری، سید رضا (1386) مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس فیروزجانیان، علی اصغر و شارع پور، محمود و فرزاد، نازنین (۱۳۹۵) بررسی جامعه‌شناختی تاثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تاکید بر مدارای اجتماعی، فصلنامه فرهنگ و ارتباطات، سال ۱۷، شماره ۳۵، صفحات ۳۱ تا ۷

قاسمی، وحید، حسن پور، آرش (1395) ساخت و طراحی و برازش مدل سنجش سرمایه فرهنگی تهران، مجله جامعه‌شناسی دوره هفدهم شماره 1 و 2.

عزیزاده اقدم، محمدباقر و صالحی، ذاکر (1390) سبک زندگی رانندگان، مجله راهورسال اول شماره یک .

گیدنز، آنتونی، (1385) تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، ص 191.

گیدنز، آنتونی (1377) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

مدیری، فاطمه و مهدوی، محمد صادق (۱۳۹۶) بررسی نسلی تأثیر دینداری بر ارزشهای خانوادگی سنتی و مدرن در شهر تهران دو فصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، سال ششم، شماره ۱۰، صفحات ۱۰۹ تا ۱۳۲

محمدزاده، حمیدرضا، حاجیانی، ابراهیم (1396) طراحی مدل سنجش هویت مدرن و اعتبار یابی آن در جامعه ایران، تهران، فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، دوره چهارم، شماره 9.

هولاب، رابرت (1375) یورگن هابرماس؛ نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشرنی

منابع انگلیسی:

Bourdieu, Perrier, (1984) "Foms of Capital", Trans, Richard Nice, Distinction, Cambridge, MA. Harvard University Press.

.Bourdieu, Pierre (1986). The Forms of Capital, in: J. G. Richardson, Handbook for Theory and Research for Sociology of Education, New York, Greenwood.

Bourdieu, P. (1977) Cultural Reproduction and Social Reproduction. In: Karabel, J., & Halsey, A. H. (eds.) Power and Ideology in Education. Oxford University Press, New York, pp. 487-511.

DiMaggio, P. & Mohr, J. (1985). "Cultural capital, educational attainment, and marital selection", American Journal of Sociology, 90(6), 1231-1261. doi: 10.1086/228209

Inglehart, Ronald (1997) Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies. Princeton: Princeton University Press.

Inglehart, Ronald and Wayne E. Baker (2000) "Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values". American Sociological Review 65 (February): 19-51.

Giddens, A. (1999). Runaway World: 4. Family. <http://www.bbc.uk/Reith1999/lecture4.html>

Kraut, R., et al. (2002). Internet paradox. Revisited. Journal of Social Issues, 58(1), 49-74.

Sayegh, P., & Knight, B. G. (2010). The effects of familism and cultural justification on the mental and physical health of family caregivers Psychological Sciences, 10, 1-12.

shchwartz , shtj , :(2007) the applicability of familism diverse ethnic groups, the journal of social psychology 147(2), 101-118

Zuo, Jiping (2008). "Marital Construction of Family Power Among Male- Out-Migrant Couples in a Chinese Village: A Relation-Oriented Exchange Model", Journal of Family Issues 29 (5): pp 663-691.

یادداشتها

ⁱ Bourdieu ,Pierre

^{2.} Dimaggio

ⁱⁱⁱ Parsons

^{iv} Holub

^v Giddens

³ Smelser

^{vii} Ingelhart